

اسناد و نامه های امیر کبیر

سیدعلی آل داود

قاجار که از بنیان گزاران ایران نو به شمار می رود، چند کتاب به چاپ رسیده، اما به جز یکی دو عنوان، در بقیه از اسناد موجود استفاده نشده است.

اسناد، نامه ها و مدارک موجود از امیر کبیر را می توان در ردیف های زیر جای داد:

۱- نامه های امیر کبیر خطاب به ناصرالدین شاه.

۲- پاسخ های ناصرالدین شاه به مکتوبات امیر. [بیش تر اسناد مربوط به این دو بخش در کتابخانه مجلس نگهداری می شود.]

۳- اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و مدارک متفرقه در گنجینه ی کتابخانه ها و مجموعه های دولتی.

۴- اسناد وزارت خارجه ی ایران.

۵- اسناد موجود در وزارت خارجه ی انگلیس، روسیه و آرشیو عثمانی در استانبول.

۶- داستان های تاریخی و افسانه های رایج درباره ی امیر کبیر. این افسانه ها در افواه مردمان آن عصر رایج بوده و سپس به منابع مکتوب وارد شده، برخی از آن ها برگرفته از شایعات مردمی است اما بهره یی از حقیقت در این افسانه ها دیده می شود.

اینک در باب هر یک از این قسمت ها به اختصار توضیحی ارائه می شود:

۱- اسناد وزارت خارجه ی ایران

در آرشیو وزارت خارجه به اسناد و مدارک متعددی از امیر کبیر در دست است. اما متأسفانه تاکنون فهرست این مدارک به شیوه ی علمی و دقیق منتشر نشده است، در پاره یی مجموعه های اسناد این وزارت خانه که در سال های اخیر نشر یافته، متن حروفی برخی از این اسناد به چاپ رسیده، اما دقیق نیست و اشتباهات و بدخوانی ها فراوان در آن دیده می شود و ضرورت دارد اصل آن ها بار دیگر به صورت عکسی انتشار یابد تا محققان بتوانند بر محتوای دقیق آن ها دسترسی پیدا کنند.

چند دهه پیش از این، تعدادی از اسناد وزارت خارجه، در دسترس عباس اقبال آشتیانی که پژوهش تازه یی را در باب امیر کبیر شروع کرده بود، قرار گرفت. اقبال در دوران وزارت علی اصغر حکمت فرصت یافت، برخی اسناد را واریس و برای خود رونوشت بردارد. مجموعه ی گردآورده های او در چند کتابچه جای گرفته که هم اکنون اصل خطوط اقبال در کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران

□ اسناد و مدارک اصیل ترین ماخذ تاریخ هر دوره اند، متون و پژوهش های تاریخی در صورتی مقبول و مورد تایید محققان و مورخان دقیق قرار می گیرند که بر مبنای اسناد معتبر تدارک شده و به تفسیر اسناد مذکور پرداخته باشند. طبعاً برای بررسی و مطالعه ی یک شخصیت تاریخی یا تاریخ دوره های معین از جوامع بشری، نخست باید اسناد آن دوره را تحت مطالعه قرار داد. برای این کار ابتدا ضروری است که اسناد دوره ی مذکور شناسایی، گردآوری و به چاپ رسانده شود، سپس اطلاعات مندرج در آن ها را با داده های سایر منابع سنجید، کارمحقق دقیق اساساً آن است پژوهش خود را با سنجش اسناد و منابع مکتوب دیگر به دست آورد.

در ایران هم چون برخی کشورها بنا به دلایل سیاسی و اجتماعی، هیچ گاه بایگانی ها یا مراکز حفظ اسناد وجود نداشته و اگر داشته در دسترس همگان نبوده است. اصولاً چنین نهادهایی در ایران سابقه ی دیرینه ندارد. شاید تغییر مکرر پایتخت کشور و تهاجم اقوام گوناگون ایجاد آرشیو ثابت را غیرممکن ساخته بوده است. در این جا هر چه به دوران پیشین بازمی گردیم از میزان اسناد موجود کاسته می شود. اما آن چه به نام مکتوبات، منشآت و نامه ها باقی مانده و بیش تر به قلم دبیران سلاطین و حکام محلی نگارش یافته، هر چند در اثر کتابت های مکرر، تحریفات و تغییراتی در آن راه یافته، لیکن هنوز می توان به عنوان ماخذی اساسی از آن ها بهره برد و مندرجات آن ها را همراه با سنجش با منابع دیگر به سود تاریخ مورد استفاده قرار داد.

بیش تر اسناد باقی مانده در ایران مربوط به عصر تیموریان تا دوران معاصر است. به خصوص از عصر صفویه مدارک ارزنده ی بی شمار و معتبر برجای مانده و چند مجلد آن ها به اهتمام استاد فقید دکتر عبدالحسین نوایی گردآوری و به چاپ رسیده است، اما مع الاسف از محتوای این اسناد برای بازنگاری تاریخ صفویان استفاده ی منظم نشده است.

اسناد مربوط به عصر قاجار از کثرت فراوان برخوردار است و بسیاری از آن ها ضمن مقالات یا کتاب ها یا در آثاری مستقل به طور جداگانه جمع آوری و به چاپ رسیده، اما هنوز هم بیش تر آن ها پراکنده و به مرحله ی گردآوری و چاپ و انتشار نرسیده است. از جمله در مورد شخص میرزاتقی خان امیر کبیر، مدارک پرشماری در دست است که تعدادی از آن ها هم در اختیار پژوهشگران قرار نگرفته است. همگان آگاهی دارند که درباره ی این شخصیت معتبر عصر

نگهداری می‌شود. این اسناد بیش‌تر شامل مکاتبات امیر در دوران صدارت او به سفرای کشورهای روسیه، انگلیس و عثمانی است و گاه پاسخ سفرای مذکور نیز در کنار نامه‌ها استنساخ شده است.

اقبال چنان‌که می‌دانیم قصد داشت کتاب تحقیقی معتبری راجع به امیرکبیر تألیف کند. همراه و همکار او در این کار شادروان دکتر قاسم غنی بود. مقدمات کار تألیف فراهم شده بود، اسناد موجود در وزارت خارجه را اقبال بررسی و رونویسی کرد و دکتر غنی از نامه‌های موجود امیرکبیر در کتابخانه‌ی مجلس دفتری به خط خود پرداخت. اما پژوهش با سفر غنی به امریکا و مرگ او و سفر اقبال به ایتالیا ناتمام باقی ماند. اما برخی مقالات اقبال در مجله‌ی یادگار به طبع رسید، دفاتر برجای مانده همه به کتابخانه مرکزی دانشگاه انتقال یافته و اکنون در تملک آن سازمان است.

محقق دیگری که اسناد وزارت خارجه‌ی ایران را ملاحظه و از آن‌ها بهره‌برداری کرده، دکتر فریدون آدمیت است که خود عضو آن وزارت‌خانه‌ی بوده، او در مواقعی که در ایران اشتغال داشت، اجازه‌ی استفاده از اسناد را به‌دست آورده و در اثر مهم خود بسیار به آن‌ها استناد کرده است، اما شیوه‌ی ارجاع او به منابع وزارت خارجه برای محققان راه‌گشا نیست. او به همین اکتفا کرد که این مطلب را از اسناد وزارت خارجه استخراج کرده، اما آدرس دقیق را به‌دست نداده است. لاجرم مراجعه مجدد به اسناد مورد اشاره او اغلب ممکن نیست. اما اقبال در مقالات خود به شماره‌ی کارتن‌ها و صندوق‌ها در آرشیو اشاره و تصریح می‌کند.

۲- کتابخانه‌ی مجلس

در این کتابخانه دو مجموعه‌ی اصلی و تعدادی اسناد متفرقه از امیرکبیر وجود دارد:

۱- مجموعه‌ی اول متشکل از ۱۶۰ نامه‌ی امیر است که آن‌ها را دوستعلی خان معیرالممالک گردآوری کرده و در آلبومی جداگانه قرار داده است.

۲- مجموعه‌ی دوم که عنوان «مکاتبات درباری» دارد و هم‌اکنون ذیل شماره ۱۳۳۳۴ در کتابخانه جای دارد، حاوی ۲۸۶ نامه‌ی امیر و بیش‌تر آن‌ها مکاتبات روزانه‌ی امیرکبیر با ناصرالدین‌شاه است. شیوه‌ی امیر آن بود که هر روز پس از ورود به درخانه [= دربار] و مشخص شدن کارهای روزانه، گزارشی از همان‌جا به شاه که در اندرون بود، می‌فرستاد و ضمن ارائه‌ی کارهای انجام شده، تکالیف و وظایف شاه جوان را معین می‌کرد. متأسفانه نامه‌های امیرکبیر تاریخ ندارد و منظم‌کردن آن‌ها بر حسب روز مشکل و بلکه ناممکن است. اما مقدار اندکی از نامه‌های ناصرالدین‌شاه به امیر تاریخ دارند و براساس آن می‌توان تاریخ تقریبی برخی مکتوبات امیر را نیز به‌دست آورد. از محتوی این نامه‌ها هرچند همه‌ی آن‌ها به اختصار نوشته شده، می‌توان تاریخ درست دوران سه‌ساله‌ی نخست پادشاهی ناصرالدین‌شاه را استخراج کرد و تصویری صحیح از آن زمانه ارائه داد. شاه در مدت صدارت امیر، ابدأ راحت و آسوده نبود، هر روز برنامه و وظایف معین داشت و نمی‌توانست آن‌ها را انجام ندهد. در غیر این‌صورت مورد مواخذه‌ی امیر قرار می‌گرفت. چند نامه در این مقوله وجود دارد که امیر، شاه جوان را از گرایش به عیاشی و تن‌پروری برحذر داشته است.

۳- کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران

در این کتابخانه به‌جز چند برگ از اصول اسناد امیرکبیر خبری نیست. اما چند دفتر از گردآورده‌های مرحومان عباس اقبال و دکتر قاسم غنی به تملک این کتابخانه درآمده که اصل آن‌ها در وزارت خارجه و بیوتات سلطنتی و کتابخانه‌ی مجلس است. اما مادامی که اسناد بیوتات و اسناد آرشیو وزارت خارجه انتشار نیافته به ناگزیر از این رونویس‌ها باید به‌عنوان سند اصل استفاده کرد. دفاتر مذکور به این شرحند:

۱- دفتر اول حاوی ۱۵۴ صفحه و ذیل شماره‌ی ۵۴۱۳ نگهداری می‌گردد.

این دفتر به خط دکتر قاسم غنی است و حاوی نامه‌های روزانه‌ی امیر به ناصرالدین‌شاه است و غنی آن را از روی مجموعه‌ی موجود در کتابخانه‌ی مجلس رونویسی کرده است.

۲- دفتر دوم حاوی ۵۶۰ صفحه و ساخته‌ی مرحوم اقبال است. در این دفتر جمعاً ۲۴۴ سند و نامه درج شده که حدود نیمی از آن به امیر تعلق دارد و اقبال آن‌ها را از میان اسناد وزارت خارجه برگزیده و استنساخ کرده است، اصل این مدارک هنوز هم در دسترس محققان قرار نگرفته است.

۳- دفتر سوم باز هم به خط عباس اقبال و حاوی مکاتبات امیر به ناصرالدین‌شاه در دوران صدارت اوست و اقبال آن‌ها را در مجموعه‌ی بیوتات سلطنتی یافته و استخراج کرده است. این مجموعه، ذیل شماره‌ی ۵۴۱۱ این کتابخانه نگهداری می‌گردد.

۴- اسناد موجود در آرشیو استانبول

اسناد ایران دوره‌ی قاجار در آرشیو عثمانی سابق اکنون در مرکزی به‌نام «آرشیو دولتی استانبول» نگهداری می‌شود و در میان آن‌ها چند سند راجع به امیرکبیر موجود است.

بخشی از اسناد مذکور به همت دکتر محمدرضا نصیری در دو مجلد به‌نام مکاتبات سیاسی ایران و عثمانی به‌چاپ رسیده است.

۵- اسناد وزارت خارجه‌ی انگلیس و روسیه

این اسناد شامل نامه‌های امیر به سفرای دول نام‌برده و پاسخ آنان است. این گزارش‌ها اکنون در آرشیو وزارت خارجه‌ی دول مذکور نگهداری می‌شود و برخی از آن‌ها در اختیار و دسترس محققان قرار گرفته، اما انتشار عام در ایران نیافته است. دکتر فریدون آدمیت از اسناد وزارت خارجه‌ی انگلیس در تدوین کتاب خود بهره برده است.

۶- داستان‌های تاریخی

حکایات و افسانه‌های تاریخی که درباره‌ی شخصیت‌ها در زمان حیات و به‌خصوص پس از مرگ آنان رواج می‌گیرد در صورتی که به درستی مورد تحلیل قرار گیرد، نیز در زمره‌ی اسناد تاریخی به‌شمار آید. اما استفاده از آن‌ها کار محقق و مورخ تیزبین و نکته‌یاب است که از ورای آن‌ها به حقایق دست یابد. در باب میرزاتقی‌خان امیرکبیر، روحیه‌ی ملت‌خواهی و مردم‌دوستی او افسانه‌های فراوان رایج است که برخی جنبه‌ی واقعیت داشته و برخی ساخته‌ی مردمی است که به او عشق می‌ورزیدند.

بعضی از این افسانه‌ها را، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در صدر التواریخ و دیگران در آثار خود نقل کرده‌اند، اما کسی به‌نام شیخ

المشایخ امیر معزی که از مشایخ گنابادی بود و سالیان متمادی ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را در اواخر دوره‌ی قاجار و اوایل عصر پهلوی داشت، تعداد زیادی از داستان‌ها را گردآوری کرد و کتابی به نام **نوادرالامیر** تدوین کرد. **نوادرالامیر** را این بنده سال‌ها پیش به انضمام مجلد اول نامه‌های امیرکبیر به چاپ رسانده است. حقیقتی که از ورای این افسانه‌ها به دست می‌آید، همان آرزوها و امیال توده‌ی مردم در رساندن ایران به کشوری متمدن و مترقی بوده که برآوردن آن را فقط در عهده‌ی شخصیت توانای امیرکبیر دانسته و با قتل او آرزوهای خود را بر باد رفته، می‌دانستند.

۷- گردآوری و چاپ اسناد امیرکبیر

این بنده از سالیان پیش به تشویق روان شاد دکتر عباس زریاب بر گردآوری و تدوین اسناد امیرکبیر روی آوردم. مرحوم دکتر زریاب، زمانی که در کتابخانه‌ی مجلس در حوالی سال‌های ۱۳۲۹. ش به کار پرداخته بود به آلبومی از اسناد امیرکبیر دست یافت که آن را دوستعلی خان معیرالممالک از نوادگان دختری ناصرالدین شاه جمع‌آوری کرده و بر اوراق دفتری چسبانده بود. این آلبوم بعدها به تملک کتابخانه‌ی مجلس درآمد و زریاب کپی همه‌ی صفحات آن را برای خود فراهم آورده بود. لیکن چون مجال انتشار آن‌ها را پیدا نکرد به ایراد یک سخنرانی در دانشگاه تهران اکتفا کرد و اصل آن اوراق را به من سپرد تا در فرصتی آن‌ها را تدوین و به طبع برسانم. مجموعه‌ی مدارک اهدایی روان شاد زریاب که بیش از ۳۰۰ نامه بود، دست‌مایه‌ی مجلد اول کتابی شد که با نام **نامه‌های امیرکبیر** در حیات آن مرحوم به چاپ رسید و مورد توجه آن دانشمند شادروان قرار گرفت. در مجلد مذکور به‌جز نامه‌های فوق‌مقداری از مکتوبات سیاسی امیر خطاب به سفرا و وزرای خارجه دول خارجی و پاسخ آن‌ها به همراه رساله‌ی **نوادرالامیر** شیخ‌المشایخ درج گردیده است.

پس از انتشار جلد اول **نامه‌های امیرکبیر**، نگارنده از کوشش باز نایستاد، هر جا مدرکی و نامه‌ی از امیر دیده شد یا نشانی از آن به دست آمد با مراجعه به محل نگهداری، عکسی از آن‌ها را فراهم آورد. سپس اطلاع حاصل شد که تعدادی از آلبوم‌های اسناد بیوتات سلطنتی در سال‌های دهه‌ی شصت از کتابخانه‌ی گلستان به سازمان اسناد ملی ایران انتقال یافته است، لیکن چون موضوع مناقشه بین دو سازمان دولتی واقع گردیده بود از دسترس جویندگان و اهل تحقیق به دور مانده با این وصف این جانب توفیق به دست آورد و با لطف خاص آقای دکتر شهرستانی، ریاست وقت سازمان به گنجینه‌ی مذکور دسترسی پیدا کرد. مدت شش، هفت‌ماه اکثر روزها به تورق در این دفاتر پرداخت که تعداد آن‌ها بالغ بر ۳۶۰ آلبوم بود. متأسفانه حاصل این تلاش چندان امیدبخش نبود. معه‌ذا از میان آلبوم‌های شماره‌ی ۱۲۲، ۱۷۰، ۲۶۳ و ۲۴۱ اسناد بسیار مهمی به دست آمد که تا آن وقت کسی از وجود آن‌ها اطلاعی نداشت.

جز آن سازمان اسناد به مجموعه‌ی بی‌مدارک و اسناد امیرکبیر در تبریز دست یافت و آن‌را برای شعبه خود در آن شهر خریداری کرد. این اسناد که اکنون میکروفیلم آن در مرکز سازمان موجود است، همگی متعلق به امیرکبیر و فرزند او میرزا احمدخان ساعدالملک دارد و ظاهراً نزد بازماندگان این فرزند در تبریز نگهداری می‌شده است. از جمله‌ی اسناد مهم این مجموعه، نامه‌ی ست که

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۰. ق خطاب به عضدالملک ایلخانی قاجار و نایب‌السلطنه بعدی نوشته و ضمن آن در خصوص نگهداری از بازماندگان امیر سفارش بلیغ و موکد صادر کرده است.

در زمره‌ی دفاتر مهم دیگر که در این جمله شناسانده شده، کتابچه‌ی ست مشتمل بر وضعیت پست، راه‌ها و شرح منازل بین راه‌های کشور، این کتابچه به دستور امیر فراهم آمده بود تا اجزای این سازمان در تسریع انتقال اشیای پستی توجه، دقت و سرعت بیش‌تر اعمال کنند.

جز این‌ها، تصاویر پاره‌ی اسناد که تاکنون مضمون آن‌ها مورد استفاده محققان و شرح حال نویسان امیر قرار گرفته، ولیکن به تصاویر آن‌ها دسترسی نبود در قسمت انتهایی این مجلد آورده شده است.

این بنده اکنون در حال گردآوری بقیه‌ی مکتوبات و اسناد مربوط به امیر است و به تعدادی دیگر در طی این دو سه سال دست یافته است و امید دارد با دستیابی به همه‌ی اسناد و انتشار آن‌ها در مجلد سوم، مجموعه‌ی کاملی از اسناد، مکتوبات و اوراق مربوط به میرزا تقی‌خان امیرکبیر را یک‌جا به دست علاقمندان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران عرضه و تقدیم دارد. ■

به یک تصویر

☆ دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

دیدمت میان رشته‌های آهنین:

دست بسته،

در میان شحنه‌ها.

در نگاه خویشتن

شطی از نجابت و پیام داشتی.

آه!

وقتی از بلند اضطراب

تیشه را به ریشه می‌زدی،

قلب تو چه گونه می‌تپید؟

ای صغیر آن سپیده‌ی تو

خوش‌ترین سرود قرن!

شعر راستین روزگار!

وقتی از بلند اضطراب

مرگ ناگزیر را نشانه می‌شدی،

وز صغیر آن سپیده‌دم جاودانه می‌شدی،

شاعران سبک موریانه، جملگی،

با: «بنفشه رسته از زمین

به طرف جویبارها»،

با: «گسسته حور عین

ز زلف خویشتن تارها»،

در خیال خویشتن، جاودانه می‌شدند!

آن چه در تو بود، گر شهامت و جنون،

با صغیر آن سپیده،

خوش‌ترین چکامه‌های قرن را

سرود.